

به نام خداوند بود و نبود

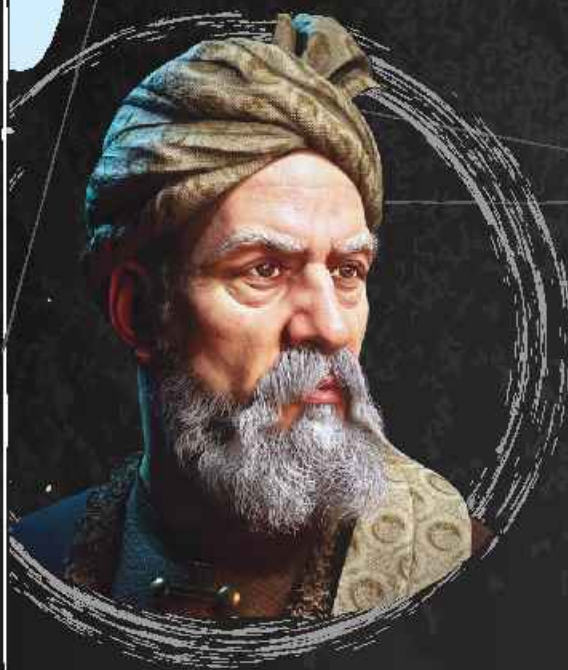
۴

فارسی



پدید آورندگان: خاطره صالح آبادی - آتنا عبدالله پوری فاز

فهرست



- ۸
- ۱۸
- ۲۷
- ۳۶
- ۴۴
- ۵۴
- ۶۴
- ۷۳
- ۷۹
- ۸۲

- درس اول ◀ آفریدگار زیبایی
- درس دوم ◀ کوچ پرستوها
- درس سوم ◀ راز تشانه‌ها
- درس چهارم ◀ ارزش علم
- درس پنجم ◀ رهایی از قفس
- درس ششم ◀ آرش کمانگیر
- درس هفتم ◀ مهمان شهر ما
- درس هشتم ◀ درس آزاد
- درس نهم ◀ درس آزاد
- درس دهم ◀ باغچه‌ی اطفال

- ۹۱
- ۱۰۰
- ۱۰۸
- ۱۱۸
- ۱۲۸
- ۱۳۸
- ۱۴۷

- درس یازدهم ◀ فرماندهی دل‌ها
- درس دوازدهم ◀ اتفاق ساده
- درس سیزدهم ◀ لطف حق
- درس چهاردهم ◀ ادب از که آموختی؟
- درس پانزدهم ◀ شیر و موش
- درس شانزدهم ◀ پرسشگری
- درس هفدهم ◀ مدرسه‌ی هوشمند



به نام خدای بزرگ که پروانه را آفرید
به روی دو تال بال او خط و خال زیبا کشید
خدایی که با یاد او لب غنچه‌ها باز شد
نوک زرد بلبل از او پر از شعر و آواز شد
خدایی که پرواز را به گنجشک آموخت
لباسی هم از جنس پر برای تنش دوخت

شاعر: ناصر کشاورز



درس اول

«آفریدگار زیبایی»

آموختنی‌ها

۱. تفکر و تأمل در مورد نشانه‌های قدرت خداوند و زیبایی‌های طبیعت
۲. مهارت شکرگزاری و پاسداری از آفریده‌های خدا
۳. طبقه‌بندی واژگان ذهنی با درک رابطه بین آن‌ها
۴. جمع کردن انواع کلمات



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

تاب نیاوردند: تحمل نکردند
 رمه:
 ضخیم:
 نیلی:
 چیره‌دست: ماهر
 معرفت: شناخت خداوند
 دریغ:
 پذیرفت:
 نظاره کنند:
 مزارع: مزرعه‌ها
 براق: بسیار درخشان
 خبر داغ: خبر تازه
 پراکند: پخش کرد
 مهاجر: مسافر
 پهنه: میدان، سطح

جهان‌افروز: روشن‌کننده‌ی جهان
 دل‌انگیز: مطلوب
 غوک: قورباغه
 برکه: آبگیر
 ایجاد کردن: پدید آوردن
 آویخت:
 قشر:
 افکند:
 داوری:
 لرغوانی:
 انبوه: زیاد
 جلا دادن:
 گلگون:
 سراغ:
 زینت داد:



کر دگار: آفریننده، خداوند

دمی: لحظه‌ای

جوی: بیاب، پیدا کن

کلمات متضاد

هست ≠ نیست

آهسته ≠ سریع

روشنایی ≠ تاریکی

شروع ≠ پایان

زیبا ≠ زشت

گرم ≠ سرد

متصل ≠ جدا

نهان ≠ آشکار

بهتر ≠ بدتر

کلمات هم خانواده

صبح، صبحگاه، صبحانه

جوی، جوینده

روشن، روشنایی

بقیه، باقی، باقیمانده

هنرمند، هنرنمای، هنر

طبیعت، طبع، طبیعی

سطح، مسطح، سطوح

اثر، تأثیر، آثار

معرفت، عرفان، معروف

تصویر، تصاویر، صورت

مهاجر، هجرت، مهاجرت

نهان: پنهان، مخفی

صبحگاه: هنگام صبح

ناپدید ≠ آشکار

سفید ≠ سیاه

سنگین ≠ سبک

سؤال ≠ جواب

نیکی ≠ بدی

تیره ≠ روشن

نازک ≠ ضخیم

براق ≠ کدر

دشوار ≠ آسان

مزارع، مزرعه، زراعت

نقش، نقاش، نقشه

هوشیار، هوش، باهوش

نخست، نخستین

زینت، تزیین

پهن، پهنه، پهناور

زیبا، زیبایی، زینت

منظره، نظر، ناظر

انتظار، منتظر

قشر، اقشار

تصمیم، مصمم



افریدگار زیبایی

دانش آموزان عزیز خداوند را نمی‌توان به صورت مستقیم دید ولی نشانه‌هایش را در تمام جهان و با دیدن طبیعت و همه موجودات می‌توان حس کرد. تغییر فصل‌ها، تولد انسان، تبدیل شب و روز و ... همگی نشانه‌های قدرت خداوند هستند.

این درس مسابقه‌ی نقاشی بین چهار هنرمند طبیعت (فصل‌ها) است.

آن‌ها تصمیم می‌گیرند که هر کس بهتر نقاشی کند، بماند و بقیه بروند. هنرمندان دست به قلم می‌شوند و با کشیدن تصاویری از خود در این مسابقه شرکت می‌کنند و خورشید جهان‌افروز را به داوری انتخاب می‌کنند. هر کدام از این فصل‌ها زیبایی‌های مخصوص خود را به تصویر می‌کشند و داوری بین آن‌ها بسیار دشوار می‌شود. سرانجام خورشید تصمیم می‌گیرد که هر چهار هنرمند بمانند و به نوبت نقاشی کنند و زیبایی‌های شگفت‌انگیز خود را به جهان نشان دهند.

نقاش همه‌ی این زیبایی‌ها همان آفریدگار هستی است که همه چیز را به درستی در جای خود قرار داده است و ما با دیدن و تفکر در پدیده‌ها به وجود خالق آن‌ها پی می‌بریم و به قول سعدی:

«برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتری است معرفت‌کردگار»

🎧 معنی شعر: انسان دانا با دیدن یک برگ از درختان، خداوند را بهتر و بیشتر خواهد شناخت.

بخوان و بدان



طبقه‌بندی واژگان

برنا: درحالی‌که سر از روی کتاب برمی‌داشت گفت: «درنا، درنا یافتم!!»

درنا: چه خبر است؟! حالا چه چیزی کشف کردی؟!

برنا: به این کلمه‌ها توجه کن: «کبوتر، عقاب، گنجشک ...» به نظر تو چه ارتباطی بین این کلمات است؟

درنا: صبر کن فکر کنم آهان! یادم آمد تمام آن موارد «پرنده» هستند.

درنا: حالا تو خودت بگو این کلمه‌ها در چه گروهی قرار می‌گیرند؟ لاله، سنبل، میخک ...

برنا: خوب معلوم است، تمام کلمات این گروه «گل» هستند.

برنا: بنابراین ما می‌توانیم یک نتیجه بگیریم، کلماتی که با هم ارتباط دارند را در یک گروه قرار بدهیم.



حالا به این مثال توجه کنید:

ورزش (فوتبال، کشتی، شنا) - درخت (سرو، کاج، صنوبر)



اسم مفرد و جمع

به کلمه‌ای که با آن انسان، حیوان و اشیا را نام می‌بریم «اسم» می‌گوییم.

مثال: برنا، فیل، کتاب

حالا اگر اسم برای یک انسان، یک حیوان و شیء باشد به آن مفرد می‌گوییم.

ولی اگر اسم برای چند انسان، چند حیوان یا چند شیء باشد به آن جمع می‌گوییم.

★ در فارسی از «ها» و «ان» برای جمع کردن استفاده می‌کنیم و به کلمه مفرد اضافه می‌کنیم.

مثال: کفش + ها ← کفش‌ها مرد + ان ← مردان

★ هر گاه نشانه‌های صدا دار (آ - ا - ه - ی - ی - و) خواستند کنار هم بیایند، برای جمع بستن، حتماً حرفی در بین این

نشانه‌ها قرار می‌گیرد که به آن حرف «میلجی» می‌گویند.

مثال: دانا + ان ← دانایان هنرجو + ان ← هنرجویان

★ بعضی از کلمات از زبان عربی وارد زبان فارسی شده‌اند، برای جمع بستن این کلمات از نشانه (ات) استفاده می‌کنیم.

مثال: حشره + ات ← حشرات تغییر + ات ← تغییرات

★ برای جمع بستن بعضی کلمات نشانه خاصی وجود ندارد که به آن‌ها جمع‌های مکسر می‌گویند.

مثال: مدرسه ← مدارس طفل ← اطفال

بیشتر بدانیم

درنا: برنا ببین ابر چه گریه‌ای می‌کند!

برنا: مگر ابر هم گریه می‌کند؟!

درنا: ابر نمی‌تواند مثل ما گریه کند. ولی ما از زبان او می‌گوییم که مثل ما کاری انجام داده، یعنی جان گرفته، من از معلّم یاد گرفتم: شاعران و نویسندگان برای زیباتر شدن شعر یا نوشته و یا بهتر رساندن منظور از خاصیت جان بخشی در اجزا استفاده می‌کنند: یعنی حالت زنده یک انسان را به یک گیاه یا یک موجود غیر زنده نسبت دادن.

مثل: برگ بی حوصله شد، سبزه خمیازه کشید

